

شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی کارکنان دستگاه‌های دولتی از دیدگاه حساب‌برسان

دیوان محاسبات استان‌های فارس و کرمان

*عیسی کریمی پور^۱، غلامحسین مهدوی^۲

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۸

Identifying Factors Influencing the Employee's Corruption of Governmental Organizations Based on Court of Auditor's Viewpoint of Fars and Kerman Provinces

*I. Karimipoor¹, Gh. Mahdavi²

1. PhD. student, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

2. Associate Professor, Department of Accounting, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

Received: 2017/10/20

Accepted: 2018/1/25

Abstract

Corruption has wide destructive economic, social and cultural consequences. The most important step to prevent this destructive phenomenon, is assessing the causes and motives of its creation. The aim of this study is to identify factors influencing the employee's corruption of governmental organizations based on Court of Auditor's viewpoint.

In this regard, 26 variables was recognized through reviewing related literature as well as considering the environmental and economic conditions. Exploratory factor analysis is used to identify factors affecting the level of corruption. We also use t-test to examine the differences results between two groups.

The results of factor analysis showed that seven factors affecting financial corruption include: inefficient educational system and the weakness of ethical adherence, administrative structure weakness, control systems weakness, economic weakness, inefficiency of the government, regulatory weaknesses and lack of meritocracy. The most important factor affecting the level of financial corruption is the inefficient educational system and the weakness of ethical adherence, and the lack of necessary education has had the most effect on this factor.

چکیده

فساد مالی آثار و تبعات مخرب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای به دنبال دارد. مهم‌ترین گام برای مقابله با این پدیده مخرب، شناسایی عوامل و انگیزه‌های ایجاد آن است. در این راستا، هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی کارکنان دستگاه‌های دولتی از دیدگاه حساب‌برسان دیوان محاسبات استان‌های فارس و کرمان است.

برای این منظور، تعداد ۲۶ متغیر از طریق بررسی پیشینه و ادبیات موجود و همچنین با در نظر گرفتن شرایط محیطی و اقتصادی کشور انتخاب شد و به تأیید خبرگان امر رسید. برای شناسایی عوامل اثرگذار بر سطح فساد مالی از روش تحلیل عاملی اکتشافی و برای بررسی تفاوت دیدگاه دو گروه پاسخ‌دهنده از آزمون t مستقل استفاده شد.

نتایج تحلیل عاملی بیانگر این است که هفت عامل اثرگذار بر فساد مالی عبارتند از: ناکارایی نظام آموزشی و تضعیف ارزش‌های اخلاقی، ضعف ساختار اداری، ضعف نظام‌های کنترلی، ضعف نظام اقتصادی، ناکارآمدی نظام حاکمیتی، ضعف‌های مقرراتی و نبود شایسته‌سالاری. مهم‌ترین عامل اثرگذار بر سطح فساد مالی، ناکارایی نظام آموزشی و تضعیف ارزش‌های اخلاقی و متغیر نبود آموزش لازم، بیشترین اثر را بر این متغیر عاملی داشته است.

Keywords: Corruption, Governmental Organizations, Economical Factors, Political and Legal Factors, Social and Cultural Factors.

واژه‌های کلیدی: فساد مالی، دستگاه‌های دولتی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی و قانونی، عوامل فرهنگی و اجتماعی.

JEL Classification: H11, M48

طبقه‌بندی موضوعی: H11, M48

* Corresponding Author: I. Karimipoor

E-mail: i.karimipoor@gmail.com

* نویسنده مسئول: عیسی کریمی پور

مقدمه

فساد به صورت استفاده از قدرت عمومی برای اهداف شخصی توصیف شده و مفهوم پیچیده‌ای است که ریشه‌های آن را باید در ساختارهای اقتصادی، سیاسی، قانونی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور جست‌وجو کرد. فساد باعث تهدید امنیت و آسیب اعتماد و اطمینان اجتماعی شده و بر زندگی روزمره مردم آثار مخربی می‌گذارد (آتا و ارواس^۱، ۲۰۱۱: ۱۶۱). فساد مالی و اقتصادی باعث نابه‌سامانی معیشت اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی، عدم استفاده بهینه از منابع، افزایش سطح فقر و ایجاد ثروت‌های بادآورده و حرام می‌شود (هشی، ۱۳۹۳: ۸۲).

فساد مالی رویدادی پیچیده، چند بعدی، شایع و دارای علل و آثار چندگانه است. منشاء این امر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است و هر یک به تناسب اقتضای زمانی بر شدت و نوع فساد مالی تأثیر گذار است. شناسایی و رتبه‌بندی این عوامل می‌تواند یکی از مهمترین گام‌ها برای برخورد با این پدیده مخرب باشد (پورغفاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴).

بررسی آمارهای جهانی نشان می‌دهد که رتبه ایران در میزان فساد رو به افزایش است. طبق شاخص ادراک فساد مالی شفافیت بین‌الملل، ایران در سال ۲۰۰۴ در رتبه ۸۸ جهانی قرار داشت، تا سال ۲۰۱۲ به رتبه ۱۳۳ تنزل کرد و در سال ۲۰۱۳ با ۱۱ رتبه تنزل به مقام ۱۴۴ دست یافت که روندی کاهشی و شدید داشته است. همچنین، طبق ناگر کنترل فساد مالی بانک جهانی، نمره ایران در سال ۲۰۱۲، ۲۳ از ۱۰۰ است. این ناگر در سال ۲۰۰۴، نمره ۴۲ را نشان می‌دهد ولی به تدریج کاهش یافته است (پوریا نسب، ۱۳۹۲: ۳).

در سال ۲۰۱۵ سازمان شفافیت بین‌المللی فهرست شاخص فساد در کشورهای مختلف جهان را اعلام کرد که بر اساس آن ایران با کسب شاخص ۲۷ در رتبه ۱۳۰ قرار دارد و با کشورهایی چون اوکراین، کامرون، نپال، نیکاراگوئه و پاراگوئه در یک ردیف قرار گرفته است.

نتایج پژوهش‌های گذشته نشان‌دهنده اثر سوءفساد بر رشد و توسعه اقتصادی (مائورو^۲، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷)، نابرابری اجتماعی (گوپتا و همکاران^۳، ۲۰۰۲) و مشروعیت دولت و ثبات سیاسی (اندرسون و توردوا^۴، ۲۰۰۳) است.

با توجه به روند افزایشی سطح فساد مالی در سالیان اخیر در کشور و لزوم شناسایی درست عوامل اثرگذار بر آن به منظور مقابله همه‌جانبه با آثار مخرب فساد مالی، هدف این مقاله شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی است. برای این منظور از نظرات کارشناسی حسابرسان دیوان محاسبات بهره گرفته می‌شود. طبق اصل ۵۵ قانون اساسی، دیوان محاسبات وظیفه رسیدگی و حسابرسی کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی را که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به عهده دارد. بنابراین، حسابرسان دیوان محاسبات در خط مقدم شناسایی و مقابله با فساد مالی قرار دارند. به منظور شناسایی عوامل اولیه، در این پژوهش از رویکرد آتا و ارواس (۲۰۱۱)، مبنی بر تقسیم‌بندی به سه گروه کلی اقتصادی، سیاسی و قانونی و فرهنگی و اجتماعی استفاده شده است.

مبانی نظری پژوهش

تعریف فساد

ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، فساد را به صورت زیر تعریف کرده است:

فساد هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشوه، ارتشا، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفا اسناد و سوابق اداری و مالی.

سازمان بین‌المللی شفافیت، فساد را "سوءاستفاده از قدرت واگذار شده برای کسب منافع خصوصی" تعریف کرده است.

طبق دیدگاه ایت^۵ (۲۰۰۳)، سه پیش‌شرط برای وقوع فساد عبارتند از قدرت اختیاری، رانت اقتصادی و نهادهای ضعیف. قدرت اختیاری به توان مقامات دولتی برای طراحی و مدیریت مقررات و سیاست‌ها اشاره دارد. رانت اقتصادی به این معنی است که دستکاری تصمیمات باید برای تصمیم‌گیرنده بازده اقتصادی داشته باشد و نهادهای ضعیف

منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی تقسیم‌بندی کرده است. از دیدگاه او، پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشور شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی است.

عوامل مؤثر بر فساد مالی

پژوهش‌های زیادی در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی انجام شده است. نتیجه بررسی پیلی^{۱۰} در سال ۲۰۰۴ در آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که در مجموع علل فساد در این کشور ریشه در سنت‌های بوروکراتیک، توسعه سیاسی و تاریخ اجتماعی دارد. نتایج خاص این پژوهش آشکار ساخت که فساد مالی به واسطه ضعف‌های سازمانی گسترش پیدا کرده است و این عوامل در شکل‌گیری فساد در بخش دولتی این کشور شناسایی شده‌اند: (۱) کنترل‌های نامطلوب اجتماعی، (۲) قوانین متروک، (۳) فزونی تقاضا، (۴) سیاستمداران کارآفرین، (۵) دیوانسالاری حاد، (۶) احتیاط بیش از حد، (۷) ترتیبات اداری ناقص و کنترل‌های ناکافی (نقل از رهنورد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰).

گوول و نلسون^{۱۱} (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان "دلایل فساد: تاریخ جغرافیا و دولت" با طرح دو سؤال کلیدی دلایل فساد را در ۱۰۰ کشور بررسی کردند: ۱- تأثیر اندازه و دامنه دولت^{۱۲} بر رخداد فساد در بین کشورها چقدر است؟ و ۲- اثر عوامل تاریخی و جغرافیایی بر فساد مالی چه میزان است؟ پاسخ پرسش اول این است که اندازه و دامنه دولت بر سطح فساد مؤثر است. در پاسخ به پرسش دوم، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که هم کشورهای کهن و هم کشورهای تازه استقلال یافته گرایش مشابه به فساد دارند اما برخی عوامل جغرافیایی توان کاهش فساد را دارد.

آتا و ارواس (۲۰۱۱)، عوامل شناسایی شده در پژوهش‌های گذشته را گردآوری کرده‌اند. این عوامل در جدول ۱ نشان داده شده است.

دانگ و تارگلر^{۱۳} (۲۰۱۳)، نامتجانسی اجتماعی^{۱۴} و فراوانی مقررات و منابع را به‌عنوان عوامل افزایش فساد مالی در کشور چین اعلام کردند.

دل‌مونته و پاپاگنی^{۱۵} (۲۰۰۷)، این عوامل را در ایتالیا شامل متغیرهای اقتصادی (مصرف دولت و سطح توسعه) و

بر ضعف سازمان‌های دولتی و فرآیندهای سیاسی دلالت دارد (نقل از لوکاتلی و همکاران^۶، ۲۰۱۶: ۴).

هوک و مونم^۷ (۲۰۱۶: ۳۶۴)، نیز به پیروی از شیفلر و ویشنی^۸ (۱۹۹۳)، فساد مالی را "استفاده از امکانات دولتی برای کسب منافع شخصی غیرمجاز" تعریف کردند.

با توجه به تعاریف بالا درباره فساد مالی، می‌توان به این نتیجه رسید که در همه تعاریف، فساد مالی نوعی نقل و انتقال منافع بین بخش دولتی و خصوصی است که طی آن منافع عمومی به سمت منافع شخصی سوق می‌یابد (سامتی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۰).

آثار اقتصادی فساد مالی

فساد زمانی رخ می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان در انجام وظیفه خود که عمل به شیوه بی‌طرفانه و منصفانه برای فراهم کردن رفاه اجتماعی است، تخطی کرده و در عوض، منافع ناروا برای خود و یا نزدیکان‌شان فراهم کنند. فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق دهد و موجب پرورش و تقویت سازمان‌های غیرقانونی و مافیایی شود. فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه‌های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می‌تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را رو به تحلیل برد. فساد، همچنین، هزینه‌های غیرپولی به صورت تأخیر ناشی از بوروکراسی، مشکل پردازش اطلاعات و افزایش نااطمینانی را به جامعه تحمیل می‌کند.

آثار اقتصادی فساد در پژوهش‌های اخیر بیشتر بر بحث قیمت‌گذاری دارایی‌ها و نقص‌های بازار مانند نامتقارن بودن اطلاعات و نااطمینانی سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد تجاری متمرکز شده است. نامتقارن بودن اطلاعات و نااطمینانی سرمایه‌گذاران، هردو از سطح فساد تأثیر می‌پذیرند زیرا اطلاعات مربوط به منافع کسب‌شده از فساد، به صورت عمومی در بازار منتشر نمی‌شود (جین و همکاران^۹، ۲۰۱۷: ۲۴).

دادگر (۱۳۸۲)، عوارض و پیامدهای اقتصادی شیوع مفاسد مالی در کشور را در چهار دسته شامل آثار منفی فساد مالی بر تخصیص صحیح منابع، آثار منفی فساد مالی بر توزیع صحیح درآمدها، آثار منفی بر کارایی اقتصادی و آثار

10. Pelle

11. Goel & Nelson

12. Scope of Government

13. Dong & Torgler

14. Social Heterogeneity

15. Del Monte & Papagni

6. Locatelli

7. Houque & Monem

8. Shleifer & Vishny

9. Jain et al

جدول ۱. عوامل مؤثر بر فساد مالی

عوامل اقتصادی	عوامل سیاسی و قانونی	عوامل فرهنگی و اجتماعی
اندازه دولت	تبانی سیاستمداران و متخلفان	تفکیک قومی
نرخ دستمزد	رقابت‌های سیاسی	مذهب
رشد اقتصادی	آزادی رسانه‌ها و مشارکت شهروندان	تحصیلات
توزیع درآمد و فقر	بی‌ثباتی اقتصادی	جنسیت
رقابت	پاسخگویی	فرهنگ
آزادی اقتصادی	تشریفات اداری (بوروکراسی)	منابع طبیعی
تورم	سیستم قانونی	اخلاق
مقررات دولتی	حقوق مالکیت	

*اقتباس از: آتا و ارواس (۲۰۱۱: ۱۶۳)

لیو^{۱۷} (۲۰۱۶)، اثر فرهنگ فساد بر سوءرفتار سازمانی^{۱۸} را بررسی کرد. وی با بررسی نگرش کلی سازمان به رفتار فرصت‌طلبانه، معیاری برای سنجش فرهنگ فساد سازمان تعریف کرد. نتایج پژوهش او حاکی از این بود که شرکت‌های با فرهنگ فساد بالاتر، سطح مدیریت سود، تقلب حسابداری، منافع مالکانه گزارش‌نشده و معاملات داخلی فرصت‌طلبانه بیشتری دارند.

برکمایر و همکاران^{۱۹} (۲۰۱۵)، افشای اقدامات مقابله با فساد را در سطح بین‌المللی با تجزیه و تحلیل ۹۳۳ گزارش پایداری^{۲۰} مقایسه کردند. نتایج پژوهش بیانگر تفاوت بین کشورها و بخش‌ها در گزارش اقدامات ضد فساد به‌وسیله شرکت‌ها بود. هرچه یک شرکت بیشتر در معرض فساد باشد، با احتمال کمتری آزادانه اقدامات مقابله با فساد خود را گزارش می‌کند.

ایواساکی و سوزوکی^{۲۱} (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان "عوامل تعیین‌کننده فساد در اقتصادهای در حال گذار" به این نتیجه رسیدند که پیشرفت اصلاحات ساختاری، بازارسازی جامع، حاکمیت قانون و افزایش دموکراسی اثر قابل توجه بر کنترل سطح فساد دارد.

آتا و ارواس (۲۰۱۱)، الگوی ارتباط عوامل اقتصادی مانند رشد و توسعه اقتصادی، تورم، آزادی اقتصادی و توزیع درآمد با سطح فساد ۲۵ کشور اروپایی را در بازه زمانی ۲۰۰۴-۲۰۰۷ مورد آزمون تجربی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که توسعه اقتصادی، تورم، آزادی اقتصادی و توزیع درآمد از نظر معناداری آماری عوامل تعیین‌کننده سطح

آثار سیاسی و فرهنگی (تمرکز حزب، وجود سازمان‌های داوطلب و شرکت‌نکردن در انتخابات ملی)^{۱۶} عنوان کردند. در ایران نیز در پژوهش‌های رهنورد و همکاران (۱۳۸۹)، پورغفاری و همکاران (۱۳۹۳) و جعفریه و طاهرپور کلانتری (۱۳۹۴)، عواملی از قبیل قانون‌گریزی مدیران، عدم پاسخگویی و نظارت ضعیف، ضعف سیستم ارزیابی عملکرد، بوروکراسی زائد بخش دولتی و ناکارآمدی سیستم نگهداری، افزایش تمایل به گزارش کمی به مافوق (آمار صوری)، وجود جو قانون‌شکنی، افزایش تمایل مسئولان به کتمان تخلف اداری، بی‌توجهی به جابه‌جایی به‌موقع کارکنان مالی، زمان‌بر بودن فرآیند رسیدگی به جرم، فردگرا شدن جامعه، بالا بودن سطح توقعات خانواده، پایین بودن هزینه‌های اجتماعی فساد در جامعه، نبودن شفافیت، سیستم تنبیه و مجازات و عدم اطلاع‌رسانی به عموم در خصوص انواع جرایم به‌عنوان عوامل مؤثر بر فساد مالی شناسایی شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

هوگ و موم (۲۰۱۶)، اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و سطح افشا را بر سطح فساد در ۱۰۴ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۱۱ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بعد از کنترل متغیرهای نهاد سیاسی و توسعه اقتصادی، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و سطح افشا اثر منفی و معنادار بر سطح فساد دارد. نتایج، همچنین، حاکی از این بود که در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته منافع کاهش سطح فساد در اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بیشتر بوده است.

16. Absenteeism at national elections

17. Liu

18. Corporate misconduct

19. Barkemeyer

20. Sustainability Report

21. Iwasaki & Suzuki

لازم برای اجرایی شدن آن تصویب نشده است و در برخی موارد هم که آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم تصویب شده است، به دلیل مشکلات اجرایی از جمله عدم تصویب و تخصیص بودجه لازم برای این مقررات، اجرای قانون با مشکلات متعدد و موانع جدی روبه‌رو شده است. بنابراین، یکی از موانع کاهش و کنترل فساد در حوزه‌های موضوعی آن به اجرا نشدن صحیح و مؤثر این قانون باز می‌گردد. از این رو، لازمه بهبود شاخص فساد، زمینه‌سازی برای اجرای همه‌جانبه قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد است.

شقایق‌شهری و همکاران (۱۳۹۵)، رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فساد مالی ۳۸ کشور عضو کنفرانس اسلامی را در بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۱ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان بیانگر رابطه منفی و معنادار بین فساد مالی و جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم بود به نحوی که کاهش یک درصدی فساد مالی در کشورهای مزبور منجر به افزایش ۰/۳۳ درصدی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده بود.

عباسی و بیت‌عفری (۱۳۹۵)، تأثیر اقدامات پیشگیرانه دیوان محاسبات کشور بر کاهش تخلفات دستگاه‌های اجرایی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان بیانگر این بود که بین رویکرد پیشگیرانه دیوان محاسبات کشور شامل نظارت مستمر بر اجرای بودجه، آموزش مدیران دستگاه‌های اجرایی، ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی دستگاه‌های اجرایی و رفع نقاط ضعف آنها و کمیته‌های تعاملی پیشگیری و کاهش تخلفات دستگاه‌های اجرایی رابطه معناداری وجود دارد.

خسروآبادی و بنی‌مهد (۱۳۹۴)، میزان فساد مالی حسابرسان را شناسایی و رابطه آن با اعتماد اجتماعی را بررسی کردند. جامعه آماری شامل حسابرسان شاغل در بخش دولتی و خصوصی حرفه حسابرسی بود و نمونه پژوهش شامل ۳۲۰ نفر از حسابرسان شاغل در بخش دولتی و خصوصی می‌شد. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه بود و یافته‌ها نشان داد، رابطه مستقیمی بین اعتماد اجتماعی پایین و فساد مالی در میان حسابرسان شاغل در بخش خصوصی حرفه حسابرسی وجود دارد.

پورغفاری و همکاران (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر فساد مالی را از نگاه کارکنان بانک‌ها و مؤسسات مالی استان خوزستان بررسی کردند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه و پرسشنامه بود و نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که افزایش

فساد هستند. در مقابل، در دوره‌های رونق اقتصادی که سرانه تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد، سطح فساد کم می‌شود. برعکس، در دوره‌های تورم بالا و چولگی توزیع درآمد، سطح فساد افزایش می‌یابد.

کالینز و همکاران^{۲۲} (۲۰۰۹)، با تمرکز بر سطوح بالای مدیران، در صدد پیش‌بینی و آزمون منبع دخالت شرکت‌ها در فساد مالی برآمدند. براساس مطالعه پیمایشی و نظرخواهی از ۳۴۱ مدیر ارشد اجرایی در هند، پژوهشگران دریافتند که اتصال اجتماعی مدیریت به مقامات دولتی، احتمال دخالت شرکت در فساد را افزایش می‌دهد. این مدیران مشارکت در فساد را به‌عنوان گامی ضروری برای رقابت توجیه می‌کنند.

پلگرینی و گرلاق^{۲۳} (۲۰۰۸)، با بررسی پیشینه منابع فساد، منابع فساد در طول کشورها را با برجسته‌سازی زمان و دلیل تفاوت نتایج با پژوهش‌های گذشته، برآورد کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین وجود سیستم عرف (قانون متداول^{۲۴}) و عضویت در مستعمرات انگلستان در گذشته و سطح فساد کشور رابطه معنادار وجود ندارد. وجود مستمر نظام مردم‌سالاری (دموکراسی) با سطح پایین فساد در ارتباط است در حالی که ناثباتی سیاسی گرایش به افزایش فساد دارد. نتایج، همچنین، نشان داد که انتشار جرایم به کاهش سطح فساد کمک می‌کند.

تریسمن^{۲۵} (۲۰۰۰)، دلیل تفاوت سطح فساد در کشورهای مختلف و نظریه‌های مختلف در این زمینه را بررسی کرد. نتایج پژوهش وی بیانگر این بود که کشورهای دارای سنت پروتستان، دارای سابقه حاکمیت بریتانیا، توسعه یافته‌تر (احتمالاً) دارای واردات بیشتر با سطح کمتری از فساد روبه‌رو هستند. همچنین، حکومت فدرالی باعث افزایش فساد می‌شود. سطح فعلی دموکراسی ارتباط معنادار با میزان فساد نداشت اما سابقه طولانی دموکراسی باعث کاهش فساد شده بود.

پژوهش‌های داخلی

رحیمی و خوئینی (۱۳۹۵)، وضعیت اجرای قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد سال ۱۳۹۰ را بررسی کردند. براساس بررسی‌های میدانی انجام شده، پژوهشگران ملاحظه کردند که با وجود گذشت نزدیک به چهار سال از تصویب این قانون، هنوز بخش قابل توجهی از آیین‌نامه‌های

22. Collins
23. Pellegrini & Gerlagh
24. Common law
25. Treisman

۲۶ گزاره مطرح شده در یکی از قالب‌های کاملاً موافق، موافق، تا حدودی موافق، تا حدودی مخالف، مخالف و کاملاً مخالف ابراز کنند. به موارد موافق بسته به شدت موافقت نمرات ۱ تا ۳ و به همین ترتیب برای نمرات مخالف نیز نمرات ۱- تا ۳- در نظر گرفته شد.

هیچگونه نمونه‌گیری در این پژوهش انجام نشد و پرسشنامه برای کل جامعه آماری ارسال شد. از مجموع ۱۰۴ پرسشنامه ارسالی تعداد ۴۳ پرسشنامه در استان فارس و ۳۸ پرسشنامه در استان کرمان (مجموعاً ۸۱ پرسشنامه) تکمیل و استفاده شد. محاسبات مقدماتی داده‌ها با نرم‌افزار Excel ویرایش ۲۰۱۳ و تجزیه و تحلیل آنها با نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۰ انجام شده است. برای کسب اطمینان از اعتبار پرسشنامه، گزاره‌های آن با توجه به نظر خبرگان در چند مرحله اصلاح و نهایی شد. قابلیت اطمینان کل پرسشنامه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آماره قابلیت اطمینان

تعداد متغیر	آلفای کرونباخ
۲۶	۰/۸۸۲

با استفاده از معیار آلفای کرونباخ، قابلیت اطمینان کل پرسشنامه ۸۸/۲ درصد به دست آمد. بنابراین پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج و یافته‌ها آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ و آمار توصیفی مربوط به سؤال‌های عمومی در جدول ۴ ارائه شده است. اطلاعات مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای ضعف کنترل‌های داخلی، قدرت انحصاری (استفاده از رانت) و نابرابری در توزیع درآمد، به ترتیب، با میانگین ۲/۳۹، ۲/۳۴ و ۲/۱۹ دارای بیش‌ترین میانگین و متغیرهای تعهدات و علائق قومی، نبود آزادی اقتصادی و نبود شایسته‌سالاری با میانگین ۰/۹، ۱/۱۷ و ۱/۱۸، به ترتیب، دارای کم‌ترین میانگین هستند. متغیرهای تعهدات و علائق قومی با انحراف معیار ۱/۴۲ و دو متغیر اندازه دولت و رقابت‌های سیاسی با انحراف معیار ۱/۳۵ بیشترین پراکندگی را دارند. همچنین، متغیرهای نبود شایسته‌سالاری و ضعف کنترل‌های داخلی با انحراف معیار ۰/۷۳ و قدرت انحصاری با انحراف معیار ۰/۷۴ دارای کم‌ترین میزان پراکندگی هستند.

تمایل به گزارش کمی به مافوق (آمارصوری)، وجود جو قانون‌شکنی، افزایش تمایل مسئولان به کتمان تخلف اداری، بی‌توجهی به جابه‌جایی به موقع کارکنان مالی و زمانبر بودن فرآیند رسیدگی به جرم در میان ابعاد سازمانی بالاترین بار عاملی را به خود اختصاص دادند. همچنین، فردگرا شدن جامعه، بالا بودن سطح توقعات خانواده، پایین بودن هزینه‌های اجتماعی فساد در جامعه و عدم اطلاع رسانی به عموم در خصوص انواع جرایم و مجازات آنها بالاترین بار عاملی را در بعد فرهنگی و اجتماعی به خود اختصاص دادند. رهنورد و همکاران (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی را با توزیع پرسشنامه به روش تصادفی بین ۳۰۰ نفر از کارکنان دستگاه‌های اجرایی استان تهران بررسی کردند. تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پنج گروه عوامل تأثیرگذار بر فساد مالی عبارتند از: قانون‌گریزی مدیران، عدم پاسخگویی و نظارت ضعیف، ضعف سیستم ارزیابی عملکرد، بوروکراسی زائد بخش دولتی و ناکارآمدی سیستم نگهداری.

سؤال‌های پژوهش

این پژوهش برای پاسخگویی به دو پرسش اصلی طراحی شده است:

- ۱- عوامل مؤثر بر فساد مالی در میان کارکنان دستگاه‌های دولتی کدامند؟
- ۲- ترتیب اهمیت این عوامل به چه صورت است؟

روش پژوهش

هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی کارکنان دستگاه‌های دولتی از دیدگاه حسابرسان دیوان محاسبات استان‌های فارس و کرمان است. این پژوهش از لحاظ روش، از نوع توصیفی و اکتشافی و از نظر نتایج، از نوع کاربردی است. با مراجعه به منابع و با استفاده از تقسیم‌بندی آتا و ارواس (۲۰۱۱) و همچنین، مراجعه به منابع داخلی، بر اساس ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۲۶ متغیر، به عنوان عوامل اثرگذار بر سطح فساد مالی کارکنان دستگاه‌های دولتی شناسایی شد و مورد تأیید نخبگان قرار گرفت.

ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش پرسشنامه است. پرسشنامه شامل ۶ سؤال عمومی و ۲۶ سؤال در ارتباط با عوامل شناسایی شده بود. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
اندازه (میزان نظارت) دولت	۸۱	-۲	۳	۱/۷۶	۱/۳۵
بی‌ثباتی اقتصادی (نبود امنیت اقتصادی)	۸۱	-۱	۳	۲/۰۶	۰/۹۲
کافی نبودن دستمزدها	۸۱	-۳	۳	۱/۷۷	۱/۲۴
قدرت انحصاری (استفاده از رانت)	۸۱	۱	۳	۲/۳۴	۰/۷۴
نابرابری در توزیع درآمد	۸۱	۱	۳	۲/۱۹	۰/۷۸
فقر	۸۱	-۲	۳	۱/۹۲	۱/۱۷
نبود آزادی اقتصادی	۸۱	-۲	۳	۱/۱۷	۱/۱۰
نرخ بالای تورم	۸۱	-۲	۳	۱/۵۵	۱/۳۱
ضعف کنترل‌های نظارتی	۸۱	-۲	۳	۲/۱۶	۰/۹۲
ضعف کنترل‌های داخلی	۸۱	-۱	۳	۲/۳۹	۰/۷۳
رقابت‌های سیاسی	۸۱	-۲	۳	۱/۴۵	۱/۳۵
پیچیدگی مقررات	۸۱	-۲	۳	۱/۷۰	۱/۰۱
تشریفات و بوروکراسی اداری	۸۱	-۱	۳	۱/۹۲	۰/۹۰
ضعف قوانین در مقابله با فساد	۸۱	-۳	۳	۲	۱/۱۸
قانون‌گریزی مدیران	۸۱	-۱	۳	۲/۰۳	۰/۸۱
ضعف نظام پاداش و تشویق	۸۱	-۲	۳	۱/۳۹	۱/۳۰
ضعف در اطلاع‌رسانی فساد	۸۱	-۲	۳	۱/۶۵	۱/۰۹
تبعیض	۸۱	-۲	۳	۱/۹۱	۰/۹۶
نبود شایسته‌سالاری	۸۱	۱	۳	۱/۱۸	۰/۷۳
سطح تحصیلات (درک مفهوم فساد)	۸۱	-۲	۳	۲/۳۰	۱/۳۱
رابطه‌گرایی	۸۱	-۱	۳	۲/۱۸	۰/۸۲
نبود فرهنگ پاسخگویی	۸۱	-۳	۳	۲/۱۲	۱/۰۲
تضعیف ارزش‌های اخلاقی	۸۱	-۱	۳	۱/۹۸	۱/۰۵
ضعف نظام آموزشی	۸۱	-۳	۳	۱/۵۴	۱/۰۹
نبود آموزش‌های لازم در رابطه با اصول اخلاقی	۸۱	-۳	۳	۱/۶۱	۱/۱۱
تعهدات و علایق قومی	۸۱	-۳	۳	۰/۹۰	۱/۴۲

جدول ۵. نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت

شاخص کفایت نمونه کیسر-میر-اولکین	۰/۷۳۶
آزمون حالت کروی بارتلت	خی دو نسبی
	درجه آزادی
	سطح معناداری
۱۰۱۵/۷۲۶	۳۲۵
۰/۰۰۰	

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۴ بیشتر پاسخ‌دهندگان بین ۳۰ تا ۴۰ سال، مرد، دارای سابقه کاری بین ۱۰ تا ۲۰ سال، دارای مدرک کارشناسی ارشد، استخدام رسمی و دارای سمت حسابرس ارشد هستند.

نتایج تحلیل عاملی

با توجه به اینکه در مورد عوامل مؤثر بر فساد مالی نظریه تأیید شده‌ای وجود ندارد و فرض می‌شود که همه عوامل می‌تواند اثر بااهمیت داشته باشد، استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی برای شناسایی این عوامل مفید است. نتایج شاخص KMO^{۲۶} و آزمون بارتلت در جدول ۵ آمده است. شاخص کفایت نمونه KMO مندرج در جدول ۵ حاکی از کافی بودن اندازه نمونه است. به طور کلی هر چه این شاخص به ۱ نزدیک‌تر باشد، بهتر است اما نسبت ۰/۶ نیز کفایت می‌کند (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

سطح معناداری آزمون بارتلت نشان می‌دهد که شرایط برای انجام آزمون تحلیل عاملی مناسب است. این آزمون ماتریس همبستگی داده‌ها را بررسی می‌کند و در صورتی که سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ باشد، نشان می‌دهد که داده‌ها با یکدیگر همبستگی داشته و بنابراین، امکان شناسایی و تعریف عامل‌های جدید براساس همبستگی متغیرها وجود دارد و تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار الگو مناسب است.


با استفاده از روش ماتریس چرخشی، ۲۶ متغیر به هفت عامل اصلی اختصاص یافت. همان‌طور که در جدول ۶ و نمودار شماره ۱ منعکس شده است، هفت عامل توان توضیح ۶۸/۲۴ درصد از تغییرپذیری در سطح فساد مالی را دارد. لازم به توضیح است که عامل اول با ارزش ویژه ۳/۸۱، توان توضیح ۱۴/۶۷ درصد از تغییرات فساد مالی را دارد. این توان برای عوامل دوم تا هفتم، به ترتیب، ۱۱/۴۳، ۱۰/۵۴، ۱۰/۱۵،

26.Kaiser-Meyer-Olkin (KMO)

جدول ۴. آمار توصیفی سؤال‌های عمومی

درصد	فراوانی	ویژگی پاسخ‌دهندگان
۱۲/۳	۱۰	کمتر از ۳۰
۵۰/۶	۴۱	بین ۳۰ و ۴۰
۲۷/۱	۲۲	بین ۴۰ و ۵۰
۹/۸	۸	بیشتر از ۵۰
۸۴	۶۸	مرد
۱۶	۱۳	زن
۲۵/۹	۲۱	کمتر از ۱۰ سال
۶۵/۴	۵۳	بین ۱۰ و ۲۰ سال
۸/۶	۷	بیشتر از ۲۰ سال
۲۵/۹	۲۱	کارشناسی و کمتر
۵۳	۴۳	کارشناسی ارشد
۲۰/۹	۱۷	دکتر و بالاتر
۲/۵	۲	قراردادی
۹/۹	۸	پیمانی
۸۷/۷	۷۱	رسمی
۲۹/۶	۲۴	حسابرس
۳۳/۳	۲۷	حسابرس ارشد
۲۲/۲	۱۸	سر حسابرس
۱۴/۸	۱۲	سر حسابرس ارشد

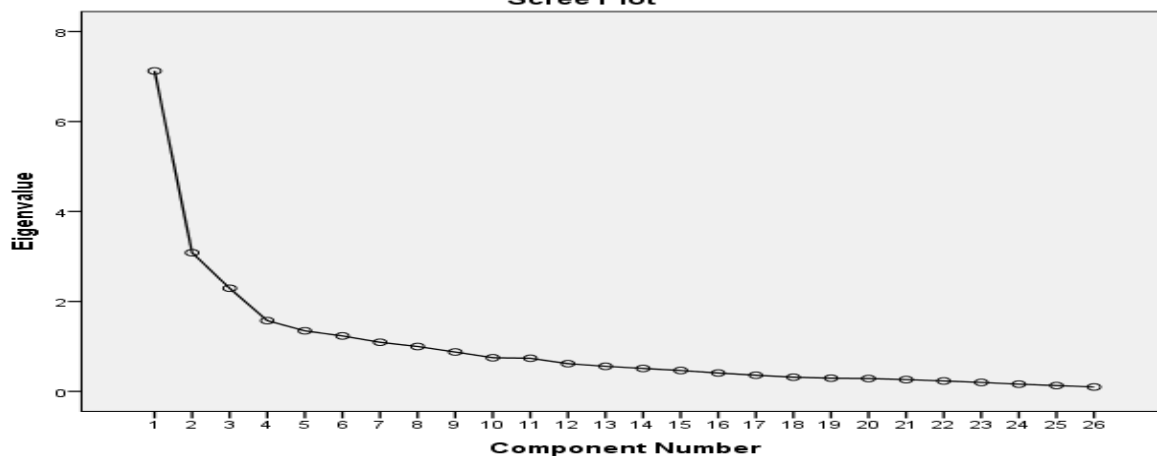
جدول ۶. کل واریانس توضیح داده شده

چرخش مجموع مربعات بارها			استخراج مجموع مربعات بارها			ارزش ویژه اولیه			جزء
درصد تجمعی	درصد از واریانس	کل	درصد تجمعی	درصد از واریانس	کل	درصد تجمعی	درصد از واریانس	کل	
۱۴/۶۷	۱۴/۶۷	۳/۸۱	۲۷/۳۹	۲۷/۳۹	۷/۱۲	۲۷/۳۹	۲۷/۳۹	۷/۱۲	۱
۲۶/۱۱	۱۱/۴۳	۲/۹۷	۳۹/۲۵	۱۱/۸۵	۳/۰۸	۳۹/۲۵	۱۱/۸۵	۳/۰۸	۲
۳۶/۶۵	۱۰/۵۴	۲/۷۴	۴۸/۰۷	۸/۸۱	۲/۲۹	۴۸/۰۷	۸/۸۱	۲/۲۹	۳
۴۶/۸۱	۱۰/۱۵	۲/۶۴	۵۴/۱۲	۶/۰۵	۱/۵۷	۵۴/۱۲	۶/۰۵	۱/۵۷	۴
۵۴/۴۳	۷/۶۲	۱/۹۸	۵۹/۳۰	۵/۱۷	۱/۳۴	۵۹/۳۰	۵/۱۷	۱/۳۴	۵
۶۱/۳۵	۶/۹۲	۱/۸۰	۶۴/۰۴	۴/۷۴	۱/۲۳	۶۴/۰۴	۴/۷۴	۱/۲۳	۶
۶۸/۲۴	۶/۸۸	۱/۷۹	۶۸/۲۴	۴/۲۰	۱/۰۹	۶۸/۲۴	۴/۲۰	۱/۰۹	۷
						۷۲/۰۸	۳/۸۳	-/۹۹	۸
						۷۵/۴۵	۳/۳۶	-/۸۷	۹
						۷۸/۳۳	۲/۸۷	-/۷۴	۱۰
						۸۱/۱۶	۲/۸۳	-/۷۳	۱۱
						۸۳/۵۳	۲/۳۷	-/۶۱	۱۲
						۸۵/۶۸	۲/۱۴	-/۵۵	۱۳
						۸۷/۶۴	۱/۹۶	-/۵۱	۱۴
						۸۹/۴۳	۱/۷۸	-/۴۶	۱۵
						۹۱/۰۰	۱/۵۷	-/۴۰	۱۶
						۹۲/۳۸	۱/۳۸	-/۳۵	۱۷
						۹۳/۵۹	۱/۲۱	-/۳۱	۱۸
						۹۴/۷۳	۱/۱۳	-/۲۹	۱۹
						۹۵/۸۲	۱/۰۹	-/۲۸	۲۰
						۹۶/۸۳	۱/۰۱	-/۲۶	۲۱
						۹۷/۷۳	-/۸۹	-/۲۳	۲۲
						۹۸/۵۰	-/۷۶	-/۱۹	۲۳
						۹۹/۱۱	-/۶۱	-/۱۶	۲۴
						۹۹/۶۱	-/۵۰	-/۱۳	۲۵
						۱۰۰	-/۳۷	-/۰۹	۲۶

جدول ۷. ماتریس چرخشی عوامل

عامل							شاخص‌های عوامل
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۰/۸۲۳	نبود آموزش لازم
						۰/۷۷۴	ضعف آموزش
						۰/۶۹۹	سطح درک مفهوم فساد
						۰/۵۹۰	تعهدات قومی
						۰/۵۷۷	قانون‌گریزی مدیران
						۰/۵۰۹	رابطه‌گرایی
						۰/۴۹۰	تبعیض
						۰/۷۵۲	تشریفات اداری
						۰/۷۳۱	نبود آزادی اقتصادی
						۰/۶۶۶	استفاده از رانت
						۰/۶۰۱	بی‌ثباتی اقتصادی
						۰/۴۸۴	نبود فرهنگ پاسخ‌گویی
						۰/۷۸۰	ضعف نظام پاداش
						۰/۷۳۰	ضعف کنترل‌های نظارتی
						۰/۵۷۵	ضعف کنترل‌های داخلی
						۰/۵۲۶	ضعف ارزش‌های اخلاقی
						۰/۸۲۳	دستمزد ناکافی
						۰/۶۸۱	تورم بالا
						۰/۶۱۶	نابرابری در توزیع درآمد
						۰/۶۰۶	فقر
						۰/۶۹۸	پیچیدگی مقررات
						۰/۶۲۵	اندازه دولت
						۰/۵۷۶	رقابت سیاسی
						۰/۷۵۱	ضعف قوانین مقابله با فساد
						-۰/۶۷۲	ضعف اطلاع‌رسانی فساد
۰/۸۰۶							نبود شایسته‌سالاری

Scree Plot



نمودار ۱. متغیرها و عوامل ویژه

جدول ۸. اختلاف میانگین پاسخ‌های افراد بین دو گروه پاسخ‌دهندگان

آزمون برابری میانگین t					آزمون برابری واریانس لون		فرض برابری واریانس‌ها		
فاصله اطمینان اختلاف در سطح ۹۵٪	خطای استاندارد اختلاف	میانگین اختلاف	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	معناداری	آماره F		
									پایین
۰/۱۰۹۷	-۰/۳۷۱	۰/۱۲۰۸	-۰/۱۳۰۷۳	۰/۲۸۲	۷۹	-۱/۰۸۲	۰/۶۹۴	۰/۱۵۵	برابری واریانس‌ها
۰/۱۱۰	-۰/۳۷۲	۰/۳۷۲	-۰/۱۳۰۷۳	۰/۲۸۴	۷۶/۶۶	-۱/۰۷۹	-	-	برابر نبودن واریانس‌ها

ضعف کنترل‌های نظارتی، ضعف کنترل‌های داخلی و ضعف ارزش‌های اخلاقی است و ضعف نظام‌های کنترلی نام‌گذاری می‌شود.

عامل چهارم مشتمل بر چهار متغیر دستمزد ناکافی، تورم بالا، نابرابری در توزیع درآمد و فقر است و ضعف نظام اقتصادی نام‌گذاری می‌شود.

عامل پنجم دربرگیرنده سه متغیر پیچیدگی مقررات، اندازه دولت و رقابت سیاسی است و ناکارایی نظام حاکمیتی نام‌گذاری می‌شود.

عامل ششم شامل دو متغیر ضعف قوانین مقابله با فساد و ضعف اطلاع‌رسانی فساد است و ضعف‌های مقرراتی نام‌گذاری می‌شود.

عامل هفتم تنها شامل متغیر نبود شایسته‌سالاری است و به همین نام، نام‌گذاری می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

فعالان اقتصادی به دنبال بیشینه‌سازی منافع شخصی خود هستند. منافع شخصی مهمترین محرک فساد مالی است. در این پژوهش سه گروه عوامل مهم و مؤثر بر فساد مالی شناسایی و میزان اهمیت آن با تکیه بر نظرات کارشناسی حسابرسان دیوان محاسبات، که نقش مهمی در مقابله با فساد مالی در بخش عمومی دارند، ارزیابی شد.

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۷، ناکارایی نظام آموزشی و تضعیف ارزش‌های اخلاقی به‌تنهایی قادر به توضیح ۱۴/۶۷ درصد از تغییرات فساد مالی است. همچنین، اطلاعات مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که متغیر نبود آموزش لازم، بیشترین اثر را بر این متغیر عاملی داشته است. افزون بر این، با توجه به اینکه تعداد زیادی از عوامل فرهنگی و اجتماعی، به‌خصوص عوامل مرتبط با آموزش در صدر عوامل توضیح‌دهنده سطح فساد است، به نظر می‌رسد،

۷/۶۲، ۶/۹۲ و ۶/۸۸ درصد است.

هفت عامل به دست آمده با استفاده از روش اکواماکس چرخشی و شاخص‌های آنها در جدول ۷ نمایش داده شده است.

بررسی تفاوت دیدگاه‌های گروه‌های آزمودنی

بررسی تفاوت در میانگین پاسخ‌های افراد به ۲۶ متغیر انتخابی در استان‌های فارس و کرمان در جدول ۸ ارائه شده است.

سطح معناداری آزمون لون (۰/۶۹۴)، مندرج در جدول فوق بیانگر برابری واریانس متغیرها بین دو گروه است. همچنین، میزان آماره t (-۱/۰۸۲) و سطح معناداری آزمون t (۰/۲۸۲) حاکی از رد نشدن فرض صفر مبنی بر یکسان بودن میانگین دو گروه است و نشان می‌دهد که میانگین پاسخ‌های دو گروه پاسخ‌دهنده تفاوت معناداری ندارد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۷، هفت متغیر عاملی اصلی، به‌عنوان عوامل اثرگذار بر سطح فساد مالی کارکنان دستگاه‌های اجرایی شناسایی شد. این عوامل به ترتیب اهمیت عبارتند از: عامل اول دارای هفت متغیر است که پنج مورد آن جزء عوامل فرهنگی و اجتماعی و دو مورد آخر آن جزء عوامل سیاسی و قانونی است. این عامل مرتبط با ناکارایی نظام آموزشی و تضعیف ارزش‌های اخلاقی است و به‌عنوان مهمترین عامل در نظر گرفته می‌شود.

عامل دوم دربرگیرنده پنج متغیر تشریفات اداری، نبود آزادی اقتصادی، استفاده از رانت، بی‌ثباتی اقتصادی و نبود فرهنگ پاسخگویی است و ضعف ساختار اداری نام‌گذاری می‌شود.

عامل سوم دربرگیرنده چهار متغیر ضعف نظام پاداش،

تقویت زیرساخت‌های فرهنگی گام مهمی برای مبارزه با فساد باشد. در این راستا در سطح جامعه، در نظر گرفتن دروس مرتبط با اخلاق تجاری و مالی برای دانشجویان رشته‌های مرتبط با مسائل بازرگانی و اقتصادی توصیه می‌شود.

در سطح سازمانی نیز اعتلای فرهنگ سازمانی و تأکید بر ارزش‌های والای اخلاقی راه‌گشا خواهد بود. پورغفاری و همکاران (۱۳۹۳: ۴۳ و ۴۴)، معتقدند که فرهنگ سازمانی از طریق تأثیر بر کارکنان، کنترل گروه‌های غیررسمی، تأثیر بر جامعه‌پذیری سازمانی، ایجاد سرمایه اجتماعی مثبت و ایجاد هزینه اجتماعی برای تخلف در فضای اداری از قابلیت بالایی برای پیشگیری از بروز فساد برخوردار است. صاحب‌نظران سازمانی برای مقابله با فساد، تأکید بیشتری بر رویکردهای دارای نقش پیش‌گیرانه از وقوع فساد نسبت به اعمال مجازات کارکنان خاطی دارند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

بنابراین، به دیوان محاسبات و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی لازم را برای مقابله با فساد مالی و شناسایی مسائل اخلاقی برای ذی‌حسابان و مدیران مالی دستگاه‌های دولتی در نظر بگیرند. توجه به فرهنگ و آموزش، نباید ما را از اهمیت سایر ابعاد اقتصادی و سیاسی و قانونی غافل کند، زیرا برای تعیین خط‌مشی مبارزه با فساد مالی، اگر تنها روی اصلاح مجموعه محدودی از سازمان‌ها یا عوامل متمرکز شویم، فساد مالی به حیات خود ادامه خواهد داد. راهکار اساسی در حرکت متوازن و هم‌تراز در تمامی ابعاد فساد مالی و عوامل تأثیرگذار بر آن است (رهنورد و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰).

ضعف ساختار اداری دومین عامل مؤثر بر فساد مالی است و دربرگیرنده عوامل تشریفات اداری، نبود آزادی اقتصادی، استفاده از رانت، بی‌ثباتی اقتصادی و نبود فرهنگ پاسخگویی است. این متغیر قادر به توضیح ۱۱/۴۳ از واریانس فساد مالی است. در این راستا، پیشنهاد می‌شود دستورالعمل جامعی به منظور مقابله با انحصار دولتی و افزایش مسئولیت پاسخگویی تهیه شود و سازمان‌های نظارتی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی بر حسن اجرای آن نظارت کنند. همچنین اجرای کامل اصل ۴۴ قانون اساسی که زمینه‌ساز افزایش توان رقابتی بخش خصوصی و تعاونی و کاهش ناکارایی بخش دولتی است، در این زمینه بسیار اثرگذار است.

با توجه به اهمیت عوامل سوم و چهارم که به ترتیب

۱۰/۵۴ و ۱۰/۱۵ از تغییرات فساد مالی را توضیح می‌دهند، به مدیران دولتی توصیه می‌شود به نقش و اهمیت کنترل‌های داخلی در پیشگیری از وقوع زمینه‌های ارتکاب فساد توجه ویژه داشته و برای استقرار و تقویت سیستم کنترل‌های داخلی مناسب کوشش کنند. همچنین، تقویت زیرساخت‌های اقتصادی که منجر به کاهش تورم و افزایش قدرت خرید می‌شود، گام مهمی برای مقابله با فساد مالی در سطح کلان است.

نتایج این پژوهش گرچه در تعداد و اسامی عوامل با پژوهش‌های گذشته متفاوت است اما بین برخی عوامل شناسایی شده در این پژوهش با عوامل شناسایی شده در پژوهش‌های آتا و ارواس (۲۰۱۱)، رهنورد و همکاران (۱۳۸۹)، پورغفاری و همکاران (۱۳۹۳) و جعفریه و طاهرپور کلانتری (۱۳۹۴)، مشابهت وجود دارد.

پیشنهادات کاربردی

پژوهش‌های زیادی برای شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی انجام شده و متغیرهای متنوع اقتصادی، سیاسی، قضایی، روان‌شناختی و اجتماعی شناسایی شده است. در این مقاله برخی ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بررسی شد. به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود ابعاد روان‌شناختی و قضایی مؤثر بر فساد مالی را بررسی کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود برای شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی دیدگاه حساب‌برسان وزارت امور اقتصادی و دارایی و بازرسان سازمان بازرسی کل کشور نیز احصاء شود.

منابع

- پورغفاری، سیدرضا؛ افشارنیا، فرهاد؛ کرمی، غلامحسین؛ مهرورز، محمودرضا؛ شریفی، سعید. (۱۳۹۳). "عوامل مؤثر بر فساد مالی از نگاه کارکنان بانک‌ها و مؤسسات مالی استان خوزستان". *دانش‌ارزیابی*، ۲۰(۲)، ۳۳-۴۷.
- پوریانسنب، امیر. (۱۳۹۲). "ادراک فساد مالی". *مجله حسابداری*، ۲۶۴، ۲-۳.
- جعفریه، زهراسادات؛ طاهرپور کلانتری، حبیب‌اله. (۱۳۹۴). "شناسایی عوامل مؤثر بر پیشگیری از تمایل بر وقوع تخلفات مالی در سازمان امور مالیاتی کشور". *فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه*، ۲۸(۲)، ۱۹-۴۶.
- خسروآبادی، طاهره؛ بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۴). "پیش‌بینی بی‌اخلاقی و فساد مالی با توجه به اعتماد اجتماعی در حرفه حسابرسی". *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*،

- ۱۰ (۴)، ۴۵-۵۳. کنفرانس اسلامی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴ (۱۴)، ۶۷-۹۰.
- عباسی، ابراهیم؛ بیت‌عفری، سعید. (۱۳۹۵). "تأثیر اقدامات پیشگیرانه دیوان محاسبات کشور بر کاهش تخلفات دستگاه‌های اجرایی". *دانش حسابرسی*، ۶۲، ۲۵-۴۴.
 - فاضلی، مهدی؛ گرد، عزیز؛ پرن‌دین، کاوه. (۱۳۹۳). "ارزیابی تأثیر سلامت نظام اداری بر تمکین مالیاتی مؤدیان اداره کل امور مالیاتی جنوب شهر تهران". *دوفصلنامه حسابداری دولتی*، ۱ (۱)، ۶۲-۵۱.
 - مومنی، منصور؛ فعال قیومی، علی. (۱۳۹۱). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS (چاپ هفتم)*. تهران: انتشارات کتاب نو.
 - هشی، عباس. (۱۳۹۳). "بررسی دلایل بروز فساد مالی و تقلب در اقتصاد ایران". *اقتصاد کلان*، ۴۹ (۵۰)، ۸۳-۸۲.
 - دادگر، حسن. (۱۳۸۲). "رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور". *اقتصاد اسلامی*، ۱۱، ۹۷-۱۱۶.
 - رحیمی، امین حسین؛ خوئینی، غفور. (۱۳۹۵). "بررسی عملی وضعیت اجرای قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد ۱۳۹۰". *دانش حسابرسی*، ۶۲، ۲۴-۵.
 - رهنورد، فرج‌اله؛ طاهرپور کلانتری، حبیب‌اله؛ رشیدی، اعظم (۱۳۸۹). "عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی". *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، سال دهم، ۳۸، ۳۵-۵۱.
 - سامتی، مرتضی؛ شهنازی، روح‌اله؛ دهقان‌شبابی، زهرا. (۱۳۸۵). "بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی". *مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۸، ۸۹-۱۱۰.
 - شقاقی شهری، وحید؛ واحدروسولی، شیرین؛ طیار، مریم (۱۳۹۵). "اثرات بازدارنده فساد مالی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حوزه کشورهای عضو Geography and Government". *Journal of Policy Modeling*, 32, 433-447.
 - Gupta, S., Davoodi, H. & Alonso-Terme, R. (2002). "Does Corruption affect Income Inequality and Poverty?". *Economics of Governance*, 3, 23-45.
 - Houqe, M.N. & Monem, R.M. (2016). "IFRS Adoption, Extent of Disclosure, and Perceived Corruption: A Cross-Country Study". *The International Journal of Accounting*, 51, 363-378.
 - Iwasaki, I. & Suzuki, T. (2012). "The Determinants of Corruption in Transition Economies". *Economics Letters*, 114, 54-60.
 - Jain, P.K., Kuvvet, E. & Paganoc M.S. (2017). "Corruption's Impact on Foreign Portfolio Investment". *International Business Review*, 26, 23-35.
 - Liu, X. (2016). "Corruption Culture and Corporate Misconduct". *Journal of Financial Economics*, 122, 307-327.
 - Locatelli, G., Mariani, G., Sainati, T. & Greco, M. (2016). "Corruption in Public Projects and Megaprojects: There is an Elephant in the Room!". *International Journal of Project Management*, Article in Press.
 - Mauro, P. (1995). "Corruption and
 - Anderson, C. & Tverdova, Y.V. (2003). "Corruption, Political Allegiance and Attitudes Toward Government in Contemporary Democracies". *American Journal of Political Science*, 47, 91-109.
 - Ata, A. & Arvas, M.A. (2011). "Determinants of Economic Corruption: A Cross-Country Data Analysis". *International Journal of Business and Social Science*, 2(13), 161-169.
 - Barkemeyer, R., Preuss, L. & Lee, L. (2015). "Corporate Reporting on Corruption: An International Comparison". *Accounting Forum*, 39, 349-365.
 - Collins, J.D., Uhlenbruck, K. & Rodriguez, P. (2009). "Why Firms Engage in Corruption: A Top Management Perspective". *Journal of Business Ethics*, 87, 89-108.
 - Del Monte, A. & Papagni, E. (2007). "The Determinants of Corruption in Italy: Regional Panel Data Analysis". *European Journal of Political Economy*, 23, 379-396.
 - Dong, B. & Torgler, B. (2013). "Causes of Corruption: Evidence from China". *China Economic Review*, 26, 152-169.
 - Goel, R.K. & Nelson, M.A. (2010). "Causes of Corruption: History,

- Growth". *Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 681-712.
- Mauro, P. (1997). "Corruption and the Composition of Government Expenditure". *Public Economics*, 69, 263-279.
 - Pellegrini, L. & Gerlagh, R. (2008). "Causes of Corruption: A Survey of Cross-Country Analyses and Extended Results". *Economic Government*, 9, 245-263.
 - Treisman, D. (2000). "The Causes of Corruption: A Cross-National Study". *Journal of Public Economics*, 76, 399-457.

